

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال شانزدهم، شماره شصت و یکم، بهار ۱۴۰۳

نکات تعلیمی در منظومه‌های حماسی با تکیه بر مثنوی شهنشاه‌نامه سلیمانی (شاهنامه عارف)

مریم‌السادات خبوشانی* - دکتر احمدرضا یلمه‌ها**

چکیده

ادبیات تعلیمی گونه‌ای از ادبیات فارسی است که دربرگیرنده تعالیم اخلاقی و آموزش‌دهنده آن است. این گونه ادبی که از دیرباز مورد توجه بزرگان ادبیات فارسی بوده، با اندرزنامه‌هایی که بازمانده از ایران باستان و دوره ساسانی است، آغاز شده و با آثار شاعرانی چون فردوسی، سنایی، سعدی و... ادامه یافته است. در میان انواع ادبی، حماسه نیز این تعالیم را در خود دارد و در ادامه این مبحث، آثاری همچون مثنوی شهنشاه‌نامه سلیمانی که اثری حماسی و دربرگیرنده تعالیم اخلاقی است، خودنمایی می‌کند. در این اثر که از فتح‌الله عارف از شعرای سده دهم هجری است، مواردی یافت می‌شود که نگارندگان را بر آن می‌دارد تا درباره ادبیات تعلیمی در این اثر دست به پژوهش بزنند. با طرح این پرسش‌ها که دسته‌بندی ادبیات تعلیمی در ادب فارسی چگونه است و شاخصه‌های ادبیات تعلیمی در مثنوی شهنشاه‌نامه سلیمانی کدام است، پس از بررسی‌ها مواردی همچون ستایش خرد و خردمندی، حمد خدا، شنیدن پند پیران و احترام به والدین، اطاعت محض از پادشاهان، نکوهش جهان‌سپنجی، نکوهش رذایل

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

maryamsadatkhabushani@gmail.com

** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول)

ayalameha@dehaghan.ac.ir

اخلاقی، دادگری و احسان پادشاهان، یاد مرگ کردن، تأثیرپذیری از آیات و احادیث مورد توجه قرار گرفت و تحلیل شد.

واژه‌های کلیدی

ادبیات، حماسه، ادبیات تعلیمی، مثنوی شهنشاه‌نامه سلیمانی و شاهنامه عارف.

۱. مقدمه

از قدیمی‌ترین روزگاران تا به امروز، حماسه یکی از مهم‌ترین انواع ادبی شمرده شده است. ارسطو پس از تعریف شعر به «کلام موزون خیال‌انگیز»، از نظر معنی و محتوا، به تقسیم آن دست فرا کرده و گفته است: «شعر یا مربوط است به بیان عواطف و احساسات و کامرانی‌های انسانی (Lyric)، یا مربوط است به توصیف وقایع و اشخاصی که در نمایش و تجسم به کار می‌رود (dramatic) و یا به بیان سرگذشت‌ها و افتخارات گذشتگان می‌پردازد (epic)» (ارسطو، ۱۳۳۷: ۱۸). اما باید دانست که منظور از بیان سرگذشت گذشتگان، تنها روایت صرف و تاریخ‌وار تلاش‌های فکری و فرهنگی یک قوم نیست، بلکه چنان‌که استاد صفا اشاره کرده‌اند: «سخن در اینجا از امر جلیل و مهمی است که سراسر افراد ملتی در اعصار مختلف در آن دخیل و ذی‌نفع باشند» (صفا، ۱۳۷۹: ۳).

شعر حماسی، در ادبیات بسیاری از ملت‌ها جزء قدیمی‌ترین گونه‌هایی است که نویسندگان و شاعرانی بزرگ درباره آن بسیار نوشته و سروده‌اند و این گونه ادبی به دلیل بسیاری از مسائل برجسته شده است. در این میان، شاهنامه از جمله آثاری است که دارای ویژگی منحصر به فردی است و دیگر حماسه‌ها به اندازه این اثر، از آن بهره‌مند نیستند. شاهنامه در عین حماسی بودن، کتاب ژرف‌اندیشی و حکمت است» (رضا بیگی و سلیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۲) و بسیاری از شاعران به پیروی از فردوسی، به این ویژگی توجه داشته و در جای‌جای اثر خود، گریزی به مسائل اخلاقی، حکمی و تعلیمی زده‌اند.

از آنجا که محور اصلی داستان‌های حماسی، مسائل دینی، تاریخی و ملی است، ضروری است در قالب حماسه، به نکته‌های اخلاقی و تعلیمی، با عنوان ادبیات تعلیمی پرداخته شود. در این مقاله بر آنیم تا به بررسی نکات تعلیمی در منظومه‌های حماسی با

تکیه بر مثنوی *شهنشاه‌نامه* سلیمانی پردازیم.

در این پژوهش درصدد یافتن پاسخی برای سؤالات زیر هستیم:

۱. دسته‌بندی ادبیات تعلیمی در ادب فارسی چگونه است؟
۲. شاخصه‌های ادبیات تعلیمی در مثنوی *شهنشاه‌نامه* سلیمانی یا *شاهنامه* عارف کدام است؟

شاخصه‌های ادبیات تعلیمی در مثنوی *شهنشاه‌نامه* سلیمانی که نگارنده به آن پرداخته، از قسمت دوم نسخه خطی اثر مذکور گرفته شده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

از آنجا که بشر، به‌ویژه ایرانیان در طول تاریخ به مسائل اخلاقی و ادبیات تعلیمی توجه بسیاری داشته‌اند، در ادبیات پیش از اسلام و پس از آن، ریشه‌هایی از این نوع ادبی به چشم می‌خورد. تاکنون چندین مقاله و اثر درباره نکات تعلیمی در منظومه‌های حماسی نگاشته و تدوین شده که با عنوان مقاله نگارندگان تفاوت دارد و به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

مشتاق مهر و بافکر در مقاله «شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات تعلیمی»، ضمن تعریفی جامع درباره ادبیات تعلیمی، به شاخص‌های محتوایی و صوری آن پرداخته و نمونه‌هایی از مثنوی، رباعی، قصیده، غزل و نثر را برای این شاخص‌ها آورده است (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۴: ۱). احمدرضا یلمه‌ها در مقاله «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی و سیر تطور و تحول آن در ایران»، برخی از برجسته‌ترین آثار ادبیات تعلیمی منظوم و خاستگاه تعلیمی آن‌ها را بیان کرده است (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۶۱). منا علی‌مددی در مقاله «تبارشناسی ادبیات تعلیمی» ضمن اشاره به سابقه طولانی ادبیات تعلیمی در ایران، این نوع ادبیات را در عصر مشروطه که مورد انتقاد قرار گرفته و به حاشیه رفته است، به‌علت ساختار طبقاتی جامعه ایران در آن زمان دانسته است (علی‌مددی، ۱۳۹۴: ۱۰۹) و کتاب *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران* از مریم مشرف که در آن، بخشی از آثار تعلیمی تحلیل شده است.

۲-۱. ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین گونه‌های ادبی است که نیکبختی انسان را در

بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه آموزش و تعلیم اندیشه‌های پسندیده دینی، عرفانی، فلسفی، مسائل اخلاقی، علوم و فنون، تهذیب نفس، تزکیه ذهن، پرورش قوای روحی و تعالی و کمال انسان می‌کند (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۴: ۱؛ مشرف، ۱۳۸۹: ۹).

ادبیات تعلیمی شاخص‌های محتوایی و صوری خاصی دارد که از این شاخص‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شاخص‌های محتوایی: آموزنده و تهذیب‌کننده بودن، خردورزی، واقع‌گرایی و دور از خیال‌بافی، دیدگاه تقدیرگرایانه، درون‌گرایی و

۲. شاخص‌های صوری: سادگی و رسایی زبان و بیان، تأکیدی بودن تشبیه، مخاطب و خواننده محوری، بسامد بالای جملات استفهامی، امری، ندایی و نهيی و ... (مشتاق‌مهر و بافکر، ۱۳۹۴: ۲).

ادبیات تعلیمی دو خاستگاه کلی دارد: الف. خاستگاه درونی: من شاعر؛ ب. خاستگاه بیرونی: اجتماع و گفتمان‌های غالب در آن (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۶۸).

ادیبان در دوره‌های آغازین اسلام به صورت مستقیم و غیرمستقیم به تعلیم اخلاق می‌پرداختند و پیش از آن نیز بر آموزه‌های تعلیمی ایران باستان مانند وصف باده‌نوشی و لزوم داشتن فره ایزدی و داشتن اصل و نسب شاهی برای پادشاه، کین‌خواهی و ... تأکید می‌کردند؛ اما به مرور مسائلی که با موازین اسلامی مطابقت نداشت، از این ادبیات سترده شد و مسائل و آداب و احکام تازه‌ای مانند آیات، احادیث، مفاهیم و دستورات دینی اسلام در این کتاب‌ها انعکاس یافت. آوردن موعظه، حکمت و پند و اندرز در شعر فارسی از اوایل قرن چهارم هجری آغاز شد و شاعران، این نوع شعر را با قطعه‌های کوتاه آغاز کردند. از اوایل قرن ششم هجری، سنایی غزنوی باب جدیدی را در سرودن اشعار حکیمانه و عارفانه باز کرد. موفقیت وی در اشعار موعظه‌گونه و حکیمانه باعث شد تا در اواخر قرن ششم اشعارش، مورد استقبال گروه زیادی از شاعران از جمله جمال‌الدین اصفهانی، قوامی رازی، خاقانی، نظامی و انوری واقع شود (همان: ۷۱-۷۲).

سیر تطور و تحول ادبیات تعلیمی منظوم در ایران را به چند دوره نام‌گذاری کرده‌اند:

۱. از دوره مؤثر از اندرنامه‌های ایران باستان: ساسانیان در کنار آداب و تاریخ و

هندسه، حکمت و پند و اندرز داشته‌اند که این اندرزها شامل کلمات قصار و حکیمانهای است که پس از اسلام نیز بر ادبیات ایران تأثیر بسزایی گذاشته و تقریباً بیشتر این آثار تحت تأثیر سفارش‌های دین زرتشتی است. از جمله این کتاب‌ها و رساله‌ها می‌توان به *اندرزهای آذرباد مهرسپندان، اندرز خسرو قبادان، یادگار بزرگهر و داستان مینوی خرد* اشاره کرد. آن سخنان پندآمیز را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف. تعالیم اخلاقی و پند و اندرزهایی که جنبه عمومی داشته و نیکبختی بشر را هدف اصلی قرار داده‌اند و موضوع رذایل و فضایل اخلاقی، محور این تعالیم است.

ب. تعالیم اخلاقی و پند و اندرزهایی که اصلاح رفتار و کردار پادشاه را وجهه همت خود قرار داده است؛ زیرا حکیمان باستان، جامعه را به منزله بدن و پادشاه را همچون سر فرض کرده‌اند و از نظر آنان صلاح و فساد آحاد مردم در صلاح و فساد رجال حکومت، به‌ویژه شخص پادشاه بوده است. مهم‌ترین نمونه‌های آن عبارت‌اند از: *کتاب ششم دینکرد، اندرز خسرو قبادان، عهد اردشیر و...* (همان: ۷۲-۷۵).

۲. دوره رودکی (قرن چهارم): اشعار برخی شاعران این دوره بازتاب من فردی و برخی من بشری و انسانی است. بیشتر اشعار رودکی در حیطه من اجتماعی و انسانی جای می‌گیرد (همان: ۷۵).

۳. دوره ناصر خسرو (قرن پنجم): در دوره ناصر خسرو ناآرامی‌های سیاسی و اوضاع نابسامان اجتماعی که حاصل سیر شتابان دگرگونی در حکومت‌ها و مسائل مرتبط با آن بود، لزوم توجه به بحث‌های اخلاقی را آشکارتر کرد و این در حالی بود که سعی داشتند موضوعات اخلاقی و تعلیمی مربوط به تهذیب نفس را در بین صاحبان اندیشه مطرح کنند و به تدریج زمینه رواج این آموزش‌ها را در میان مردم فراهم آورند (پلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۷۶).

۴. دوره سنایی (قرن ششم): سنایی رستگاری آدمی را در گرو اعمال نیک می‌داند، که این امر سبب عنایت و عدم خشم خداوند به بنده می‌شود. بنابراین شعرا کلامی پر از پند و اندرز را می‌سرایند که به فهم خوب و بد زندگی کمک می‌کند (همان: ۷۷).

۵. دوره نظامی (قرن ششم): نظامی بعد از سنایی در ایجاد منظومه‌های حکمی و تعلیمی توفیق یافت. در پایان قرن ششم و اوایل قرن هفتم عطار با مثنوی‌های ساده و

آموزنده‌ای تنوع شعر را با قوت تمام ادامه داد که *منطق الطیر*، *الهی‌نامه* و *مصیبت‌نامه* از آثار ارزشمند او در این زمینه است و شاعران مسائل اجتماعی و حکمی را در نهایت شیوایی بیان می‌کردند (همان: ۷۸).

۶. دوره سعدی (قرن هفتم): در قرن هفتم سعدی با وارد کردن ادب تعلیمی در آثارش، به ویژه بوستان، سبب به وجود آوردن باورهایی در میان مردم شد که گاهی انسان فراموش می‌کند که زندگی او جاویدان نیست و روزی که قرار باشد از دنیا برود، ثروت دنیوی نمی‌تواند لحظه‌ای به زندگی او بیفزاید. این جریان تا زمان مشروطه ادامه دارد. در این دوره عقاید اجتماعی، ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی و... به‌عنوان مضامین تعلیمی، سیاسی و اجتماعی در آثار شاعرانی چون ادیب‌الممالک فراهانی، ملک‌الشعرا بهار، اشرف‌الدین گیلانی، پروین اعتصامی و... شکل می‌گیرد (همان: ۷۹-۸۰).

۲. بحث و بررسی

۲-۱. ادبیات تعلیمی ضمن ادبیات حماسی

از قدیمی‌ترین روزگاران، حماسه و اشعار حماسی، مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها، افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی است و به‌نحوی شامل مظاهر مختلف زندگی پهلوانان و قهرمانان می‌گردد. «از میان انواع ادبی، نوع تعلیمی علاوه بر شکل مستقل آن که در قالب آثار اخلاقی عرضه می‌شود، در لابه‌لای انواع ادبی دیگر اعم از حماسی، عرفانی و غنایی نیز به چشم می‌خورد. ادبیات تعلیمی طیف وسیعی از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد. پند و اندرز، آموزه‌های زهدآمیز و اخلاقیات، گونه‌های رنگارنگ ادبیات تعلیمی فارسی است. حتی درون‌مایه‌های تغزلی و حماسی در ادبیات فارسی به‌نوعی با آموزش‌های اخلاقی پیوند یافته است» (همان: ۷۱).

پرداختن به نکات تعلیمی در ضمن ادبیات حماسی باعث برخی روشنگری‌ها می‌شود که عبارت‌اند از: ستایش یزدان، یادآوری و ذکر صفات پروردگار، نکوهش بی‌اعتباری و بی‌وفایی و غداری جهان، دادگری، ستایش خرد، احترام به بزرگان و پیران، یاد مرگ کردن، اشاره به آیات و احادیث، انذار و تبشیر و...

شهنشاه‌نامه سلیمانی (شاهنامه عارف) در قالب مثنوی، داستانی است حماسی و بزمی که در حدود ۲۱۰۰۰ بیت دارد و در بحر متقارب مثنیّ محذوف (فعولن فعولن فعولن فعل) توسط فتح‌الله چلبی بن عجم درویش محمد چلبی رومی عثمانی، متخلص به عارف از سرایندگان سده دهم هجری قمری سروده و به خط نستعلیق تحریر شده که تاکنون تصحیح نشده و به چاپ نرسیده است. نسخه‌هایی از آن به شماره ۲۷۲۹/۳ در کتابخانه ماگنسا، نسخه دیگری به شماره H.1517 در کتابخانه موزه تویقاپوسرای ترکیه، نسخه‌ای به شماره ۴۲۴۹ به خط نستعلیق در ۳۰۵ برگ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و میکروفیلمی از آن با شماره ۲۰۶۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. این اثر شامل جنگ‌ها و لشکرکشی‌های سلطان سلیمان قانونی است و علاوه بر آن سرشار از مضامین تعلیمی و پند و اندرز، وصف صحنه‌های جنگ و طبیعت و زیبایی‌های کنیزکان است. شاعر، اثرش را به سلیمان قانونی اهدا کرده است که «در پنج جلد سروده شده با عنوان: جلد اول در آفرینش پیامبران، جلد دوم از ظهور اسلام و گسترش آن، جلد سوم درباره فرمانروایان ترک قدیم و سلجوقیان، جلد چهارم درباره امپراتوری عثمانی و جلد پنجم درباره سلطان سلیمان قانونی است. عارف، اشعاری هم به زبان ترکی سروده است. دیگر آثار او عبارت‌اند از: سلیم‌نامه، فتوحات جمیله، دیوان فارسی، صنم الخیال یا صنم و برهمن که اثری است مصنوع و درباره تشریح انسان و اسب در ۱۶۰۰ بیت، فُرس الخیال، رساله‌ای در معما، نظیره‌ای بر اشعار امام فخر رازی، نظیره خمسه نظامی گنجوری، ابیات تاریخیه و سفرنامه سلیمانی است» (انوشه، ۱۳۷۵: ج ۶، ۵۴۶؛ قره بلوط، ۲۰۰۹: ج ۶، ۲۳۴۷). وی در سال ۹۶۹ هجری بدرود حیات گفته است.

۲-۲. نکات تعلیمی در مثنوی شهنشاه‌نامه سلیمانی (شاهنامه عارف)

عارف به پیروی از شیوه فردوسی در خلال ابیات و داستان‌ها به‌ویژه در مطلع آن‌ها که در پایان هر بخش آمده، یک یا چند بیت گریزی به مسائل تعلیمی زده و به پند و اندرز پرداخته و نکاتی اخلاقی را یادآور شده است که در بیشتر آن‌ها ستایش یزدان، نکوهش جهان و بی‌اعتباری آن، دادگری و احسان پادشاهان، ستایش خرد و خردمندی، پرهیز از رذایل اخلاقی، قطعی بودن مرگ و... به چشم می‌خورد. مخاطب شاعر در این

پند و اندرزها، تنها خوانندگان داستان نبوده است، بلکه او با استفاده از شخصیت‌های منظومه‌اش توصیه‌هایی به شاه و اطرافیان او دارد.

۱-۲-۲. ستایش یزدان

ستایش یزدان از بُن‌مایه‌های مهم و اساسی در آثار حماسی است که شروع هر کاری را با یاد و نام خدا آغاز می‌کردند و اشاره به این موضوع است که بدون نام خداوند و ستایش پیامبرش هیچ قلمی نمی‌تواند بنویسد. در این مثنوی نیز به این امر اشاره شده است.

فرستد به پوزش بر شاه کس	دهد گنج و گرداند از راه پس
دبیری همان دم طلب کرد زود	سر سر دل پیش کلکش گشود
به نام خدا بست اول رقم	که بی او نجنبد زبان قلم

(عارف، ۱۱۶۷: ج ۱، ۱۹۳)

۲-۲-۲. ستایش خرد و خردمندی

آگاهی و هوشیاری و خردورزی از جمله آموزه‌های دینی و اخلاقی است. در بسیاری از جای‌ها شاعر به ستایش خرد و احترام به خردمندان و اندیشمندان پرداخته که برگرفته از تعالیم اخلاقی-اسلامی و قرآن و احادیث است.

خردمند چون عزم کاری کند	ز فال زمانه شماری کند
سرانجام هر کار خود را درست	در آن فال بیند به کام نخست
خردمند از آینه فال خویش	تماشا کند حسن اقبال خویش

(همان: ج ۱، ۱۳۷)

خرد پیشه ساز و خردمند باش	بدانت که دادند خرسند باش
---------------------------	--------------------------

(همان: ج ۱، ۱۷۶)

۳-۲-۲. شنیدن پند و اندرز پیران و والدین و احترام به آنان

یکی از بُن‌مایه‌های اصلی ادبیات تعلیمی، شنیدن پند و اندرز پیران است که در ادبیات فارسی نمود خاص دارد و شاعر در این منظومه، احترام به والدین و پیران را راهگشا و چراغ راه و پند آنان را دلیل بر جاودان بودن می‌شناسد.

خوش آن پور فرخنده نامور	که گردد بدو زنده نام پدر
همیشه چراغ پدر همچو هور	نسوزد کسی در جهان غیر پور

کسی را که باشد چراغِ چنان	همیشه بُود زنده‌ جاودان
(همان: ج ۱، ۱۰۶)	
خوشا رای پیران اندیشه‌سنج	که هرگز ز گیتی نبینند رنج
به اندیشه هر جای یاری کشند	به گرد خود اول حصاری کشند
ز آسیب دشمن گه داروگیر	رهانند خود را چو موی از خمیر
	(همان: ج ۱: ۱۱۸)

۲-۲-۴. اطاعت محض از پادشاهان

از گذشته‌های دور، مردم از پادشاهان و حاکمانشان در جامعه و زندگی خویش اطاعت و پیروی می‌کردند و پیامبر اکرم (ص) نیز در این باره فرموده‌اند: «الْأَسَّاسُ يَتَّبِعُونَ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ، مردم به دولت‌مردان خود شبیه‌ترند تا به پدرشان»؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۷: ۲۰۸) که در این مثنوی نیز به این امر اشاره شده است.

چو شیری بُود با قلاده سرش	نلرزد دلش بر سر و پیکرش
سرانی که در کشور پادشاه	به تارک نخواهند ترک کلاه
	(عارف، ۱۱۶۷: ج ۱، ۱۱۲)
شماری که در گنج شاهی بُود	پی خون‌بهای سپاهی بُود
کسی کاوستاند چنان خون بها	کند خون خود را به شاهان روا
	(همان: ج ۱، ۱۳۸)

۲-۲-۵. ارتباط سعادت و بخت شاهان با قضا و قدر

در این مثنوی، شاعر سعادت و شقاوت شاهان و بزرگان را با طالع و سرنوشت و قضا و قدر مرتبط می‌داند.

چو فیروزی آید ز چرخ برین	شود کان فیروزه خاک زمین
چو از آسمان بخت پرتو دهد	به هر دم یکی مژده نو دهد
بُود شاه را چون که بیدار بخت	سزد خُسبند آسوده بالای تخت
فروزنده از بخت باشد جهان	بُود بخت فرخ چراغ شهان
نگه دار شاهی که داور بُود	بدو بخت فرخنده یاور بُود

(همان: ج ۲، ۱۰۹)

۲-۲-۶. سفارش به دادگری و نیکی و احسان شاهان به مردم زبردست و ستم نکردن به آنان در این مثنوی، شاعر در سیرت پادشاهان می‌گوید که پادشاه باید دادگر باشد و به زبردستان احسان و نیکی کند و به آنان ستم نکند.

خوش آن شه که در ملک و داد آورد
ز شاهان پیشین به یاد آورد
بشوید جهان را ز کفر و زکین
بگیرد زمین را به داد و به دین
(همان: ج ۲، ۱۱۵)

شهنشاه باید چو خور گنج سنج
نه چون برق کآید ز دادن به رنج
خوش آن شه که احسان خود را چو میغ
همیشه ندارد ز دادن دریغ
(همان: ج ۲، ۱۶۵)

رعیت نباید که باشد به رنج
که از رنج ایشان نهد شاه گنج
چه بهره کسی را از آن گنج سیم
که آید فراهم ز اشک یتیم
(همان: ج ۲، ۱۶۳)

۲-۲-۷. تأثیرپذیری از آیات و احادیث

عارف همچون دیگر شاعران مسلمان که شعرشان متأثر از آیات الهی و احادیث نبوی است، از این چشمه لایزال الهی بی‌بهره نبوده است.

خدایی که جان و خرد آفرید
به گیتی همه نیک و بد آفرید
چراغ خرد را به جان زنده کرد
فتیل بصر را فروزنده کرد
دو گیتی همه ملکت یک خداست
به ملک خدا کدخدایی خطاست
(همان: ج ۱، ۱۹۳)

آیات فوق به آیه «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (اعراف: ۵۴) و آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۲۵) اشاره دارد.

۲-۲-۸. دعوت به اتحاد و همبستگی

شاعر در این مثنوی، پرهیز از نفاق و دورویی را سفارش کرده است؛ زیرا با همدلی و

اتحاد می‌توان بر دو جهان مسلط شد و دشمن را از بین برد.

دو تن گر گذارند هر دو نفاق
دو گیتی بگیرند به اتفاق
دو دل چون نباشند با هم دودل
برآید همه کامشان متصل
دو تار با هم چو یک رو شوند
به دشمن چو تیغ دو پهلو شوند
(عارف، ۱۱۶۷: ج ۲، ۱۱۶)

۹-۲-۲. در مدح ممدوح شاعر و دعای خیر در حق مخاطب

عارف نیز همچون شاعران هم عصرش به ستایش پادشاهان پرداخته است. در مطلع‌های *شهنشاه‌نامه*، گاهی شاعر مانند تغزل‌های قصاید فارسی در چند بیت به مدح ممدوح خویش می‌پردازد. از آنجا که عارف، *شهنشاه‌نامه* خویش را به سلطان سلیمان تقدیم نموده، در ابیات زیر به مدح وی پرداخته است:

ندانم که این فتح فیروزبخت
گشاده چه سان غنچه‌ای بر درخت
سعادت نسیمی ز گلزار توست
تباشیرِ نصرتِ گلِ خارِ توست
کلید همه قفل‌ها نام توست
سعادت به گنجی که پدرام توست
مبادا جز آن گلشن در جهان
گشاینده گل در دگر گلستان
(همان: ج ۱، ۱۶۱)

زهی شاه فرمان ده کام بخش
خدو زر اورنگِ ضرغام رخس
تویی آن سلیمان آصف وزیر
که همچون سلیمان نداری نظیر
(همان: ج ۲، ۱۹۷)

۱۰-۲-۲. مردن با نام بهتر از مردن به ننگ

شاعر مردن با نام در میدان جنگ را برای مردان، بهتر از ننگی می‌داند که چون زنان در خانه بمیرند.

دلیران چو شمشیر بیرون کنند
رخ خویشتن سرخ با خون کنند
همیشه ز خون تن خویشتن
بُود سرخ رو مردِ شمشیرزن
ز شمشیر زن، مردِ شمشیر زن
نترسد که ترسد ز شمشیر زن
ز مردی که از مرگ ترسد به جنگ
زنی به که در خانه میرد به ننگ
(همان: ج ۱، ۱۰۴)

۲-۱۱. نکوهش جهان

نکوهش جهان‌سپنجی و بی‌اعتباری و بی‌وفایی، دورویی و غداری آن از مهم‌ترین مسائل و نکات اخلاقی و تعلیمی و حماسی است، که در این اثر نیز به آن برمی‌خوریم.

نگرش شاعر به بی‌اعتباری و ناپایداری دنیا چنین است:

چنین است آیین کاخ سپنج	که آرد گه آسایش و گاه رنج
در این باغ خرم سرشاخسار	گهی خاره گاهی گل آرد به بار
(همان: ج ۱، ۱۰۴)	
جهان سر به سر جز دمیش نیست	از آن هم غرض آدمی بیش نیست
(همان: ج ۱، ۱۲۳)	

شاعر، دورویی دنیا را به ققنوسی دورنگ تشبیه کرده و در ابیاتی دیگر گفته است:
دنيا هم زهر است و هم پادزهر.

سپهر زر آن کره سرکش است	که نعلش همه روزه در آتش است
به چرخ برین اختر شب فروز	همه شب نخسبد ز سودای روز
ستاره پی سود سودای ما	به شبها پزد آتش فردای ما
ندانیم ما را زمانه سحر	دهد ناشتا زهر یا نیشکر
(همان: ج ۲، ۱۴۳)	
در این انجمن گاه انجم فروز	نسوزد چراغ کسی تا به روز
دو پر دارد این ققنس آذری	یکی کحلی و دیگری اخضری
(همان: ج ۲، ۱۵۶)	

در این مثنوی غداری و بی‌وفایی دنیا نیز به چشم می‌خورد:

ندانم در این دیگ آتش فروز	چه درجوش دارد جهان شام و روز
که هر دم دگرگون خوراکی دهد	ستاند ز خاکی به خاکی دهد
(همان: ج ۱، ۱۴۷)	
کسی را به کار جهان راه نیست	ز پیکار گیتی کس آگاه نیست
جهان‌گر چو خردان بزرگ آشتی ست	مشو ایمن اما که گرگ آشتی ست
کند جلوه هر دم به رنگ دگر	پدید آورد صلح و جنگ دگر

(همان: ج ۲، ۱۳۹)

۲-۲-۱۲. پرهیز از نادانی و گناه

پرهیز از نادانی و گناه در تمام ادیان الهی به‌ویژه اسلام و فرقه‌های عرفانی، بسیار سفارش شده است.

ز بی دانشی ناگهان ابلهی	بسی بوده باشد که اندر چهی
که صد عاقل آن را نیارد برون	به بازیچه سنگی کند سرنگون
ز اندک گنه جرم خیزد بسی	ز شرم گنه چون گریزد کسی

(همان: ج ۱، ۱۷۱)

۲-۲-۱۳. پرهیز از صفات رذیله اخلاقی

رذایل اخلاقی سبب نابودی انسان می‌شوند و هیچ آیین و جامعه‌ای آن را نمی‌پسندد. شاعر در این منظومه، حسد، غرور و حرص و آز را نکوهش کرده است.

خرابی کنِ خان و مان‌ها بُود	حسد آتش‌افروز جان‌ها بُود
حسد مرد فرزانه را دَد کند	حسد سیرت نیک را بد کند

(همان: ج ۱، ۱۲۰)

که مانده به پس در هزاران چراغ	تکبر بُود صرّصری در دماغ
که کشته بسی مشعل سلم و تور	همان دیو باد است باد غرور

(همان: ج ۱، ۱۷۴)

که اندک بُود مایه عمرکس	مجو ز آنچه داری فزونی هوس
-------------------------	---------------------------

(همان: ج ۱، ۱۷۶)

۲-۲-۱۴. یاد مرگ کردن

یاد مرگ کردن از محوری‌ترین موضوعات ادبیات تعلیمی با انگیزه آگاهانیدن مخاطب است، که در این مثنوی نیز بدان پرداخته شده است.

گریبان اطلس چو خور چاک کرد جهان تیغ بهرام در خاک کرد
 ز ناگه در آمد سواری چو باد که گفت از جهان خیر بی خیر باد
 به دیگر سرا ترک این دیر گفت از این خانه چون شمع شب خیز گفت
 (همان: ج ۲، ۱۰۷)

امام علی^(ع) می‌فرماید: «پس همانا مرگ، نابودکننده لذت‌ها، تیره‌کننده خواهش‌های نفسانی و دورکننده اهداف شماسه؛ مرگ، دیدارکننده‌ای دوست‌ناداشتنی، هم‌آوردی شکست‌ناپذیر و کینه‌توزی است که بازخواست نمی‌شود» (دشتی، ۱۳۸۰: خطبه ۴۶۷).

خوریم از همه گور بهرام گور خورد خاک ما هم سرانجام گور
 ندیدیم بر روی این خاک کس که نستاد از او دام خود چاک بس
 (همان: ج ۲، ۱۰۷)

۳. نتیجه‌گیری

ادبیات تعلیمی گونه‌ای ادبی است که از دیرباز در ادبیات فارسی جایگاهی ویژه داشته است. در ایران پس از اسلام این ادبیات در قالب آموزه‌های مستقیم و غیرمستقیم خود را نشان می‌دهد. ابتدایی‌ترین نوع تعلیمی با اندرزنامه‌هایی از دوران ساسانیان آمده است. در دوره‌های بعد نیز شاهد انواع گوناگون و صورت‌های مختلف ادبیات تعلیمی در آثار بزرگانی چون فردوسی، سنایی، انوری، سعدی، مولانا و... اشاره کرد. مثنوی شهنشاہ‌نامه سلیمانی یا شاهنامه عارف که اثری باقی‌مانده از قرن دهم هجری و عصر عثمانی و به پیروی از شاهنامه فردوسی شده و ۲۱۰۰۰ بیت دارد، شامل نکات برجسته‌ای از تعلیمات اخلاقی، دینی و انسانی است که با بزرگداشت خرد، حمد خدا، پذیرش پند پیران و احترام به والدین، اطاعت محض از پادشاهان، نکوهش رذایل اخلاقی چون غرور، کبر و آز، نکوهش جهان و بی‌اعتباری آن، دادگری و احسان پادشاهان، یاد مرگ کردن و با تأثیرپذیری از آیات و احادیث همراه است که این تأثیرپذیری در سراسر مثنوی شهنشاہ‌نامه وجود دارد و نشان از ارزش واقعی قرآن و احادیث و اخلاقیات در نزد شاعر است.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. ابن شُعبه حرّانی، ابومحمد حسن بن علی (۱۳۹۷)، *تحف العقول*، ترجمه محمدصادق حسن‌زاده، تهران: قم.
۳. ارسطو (۱۳۷۷)، *فن شعر*، ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. انوشه، حسن (۱۳۷۵)، *دانشنامه ادب فارسی در آنا‌تولی و بالکان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. دشتی، محمد (۱۳۸۰)، *ترجمه نهج البلاغه*، ج ۳، قم: مؤسسه انتشارات ائمه^(ع).
۶. رضاییگی، مریم و سلیمی، علی (۱۳۹۱)، «تأملی در نقش تعلیمی داستان‌های شاهنامه»، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره پیاپی ۱۳ و ۱۴: ۱۲۱-۱۳۶.
۷. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹)، *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. عارف، فتح‌الله (۱۳۶۷ق)، *شهنشاه‌نامه سلیمانی*، نسخه خطی، کتابخانه آستان قدس رضوی.
۹. علی‌مددی، منا (۱۳۹۴)، «تبارشناسی ادبیات تعلیمی (نگاهی به چرایی شکل‌گیری و گسترش ادبیات تعلیمی در ایران)»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال هفتم، شماره ۳۵: ۱۰۹-۱۳۸.
۱۰. قره بلوط، علیرضا (۲۰۰۹)، *معجم التاريخ التراث الاسلامی فی مکتب العالم*، ترکیه: دار العقبة قیصری.
۱۰. مشتاق‌مهر، رحمان و بافکر، سردار (۱۳۹۴)، «شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات تعلیمی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال هفتم، شماره ۲۶: ۱-۲۸.

۱۱. مشرف، مریم (۱۳۹۴)، *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*، تهران: انتشارات

سخن.

۱۲. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۵)، «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی و سیر تطور و

تحول آن در ایران»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال

هشتم، شماره ۲۹: ۶۱-۹۰.